

اول ماه مه

رفقای کارگر! اول ماه مه در راه است، روزی که کارگران تمامی سرزمین‌ها، باز شدن چشمانشان را به سوی یک زندگی آگاهانه، همبستگی اشان را در مبارزه علیه تمامی اشکال اجبار و اضطراب و ستم انسان به دست انسان، یعنی مبارزه برای رها ساختن میلیون‌ها زحمتکش از گرسنگی، فقر و حقارت را جشن می‌گیرند. در این پیکار سترگ، دو جهان چهره به چهره ی یکدیگر می‌ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری.

در یکسو، مشتی ثروتمند خون آشام قرار دارند. آن‌ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین‌آلات را تصرف و میلیون‌ها جریب زمین و کوه‌هایی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده‌اند. آن‌ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ‌های پاسبان باوفای ثروت انباشته‌ی خود مبدل کرده‌اند.

در سوی دیگر، میلیون‌ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مشتی نوکیسه‌ی پولدار التماس کنند تا به آن‌ها اجازه‌ی کار کردن بدهند. با کار آن‌هاست که این افراد تمام ثروت‌ها را خلق می‌کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده‌ای نان مبارزه کنند؛ برای کار التماس کنند، توگویی صدقه می‌خواهند؛ نیرو و سلامت خود را با زحمات کمرشکن تحلیل ببرند، و در آلودگی‌های محقر روستایی یا اتاق‌های زیرشیروانی و انبارهای زیرزمین در شهرهای بزرگ، از گرسنگی جان دهند.

اما اکنون این زحمتکشان محروم به نوکیسگان پولدار و استثمارگران، اعلام جنگ نموده اند. کارگران تمامی کشورها درحال مبارزه برای آزاد ساختن کار از بردگی مزدی، از فقر و احتیاج هستند. آن‌ها مشغول مبارزه برای نظامی از جامعه هستند که در آن ثروت حاصل از کار مشترک، نه مشتی ثروتمند، که هر آن کس را که کار می‌کند، منتفع می‌سازد. آن‌ها می‌خواهند که زمین و کارخانجات، مراکز تولیدی و ماشین‌آلات را تحت مالکیت مشترک تمامی زحمتکشان درآورند. خواهان آنند که به شکاف میان فقیر و غنی پایان دهند، ثمرات کار را به خود کارگران برسانند؛ تمامی دستاوردهای فکری بشر و تمامی بهبودهای روش‌های کار را درخدمت بهبود سرنوشت کسی قرار دهند که کار می‌کند، و نه این که آن را به ابزار ستم بر وی تبدیل کنند.

پیکار عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری‌های عظیم کارگران صورت گرفته است. آن‌ها بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی واقعی را با جوی‌هایی از خون خود پرداخته‌اند. آنانی که در راه آرمان طبقه‌ی کارگر مبارزه می‌کنند، مورد اذیت و آزارهای بی‌شمار حکومت‌ها قرار می‌گیرند. اما با وجود تمامی آزار و اذیت‌ها، همبستگی کارگران جهان، رو به رشد و قوام گرفتن است. کارگران هر چه بیش‌تر در احزاب سوسیالیست متحد می‌شوند؛ هواداران این احزاب که در حال رسیدن به میلیون‌ها نفر هستند، به طور پیوسته و گام به گام به سوی پیروزی کامل بر طبقه‌ی استثمارگران سرمایه‌دار پیش می‌روند.

پرولتاریای روسیه نیز چشم به زندگی نوینی گشوده است. او نیز به این پیکار عظیم پیوسته. آن روزهایی که کارگر ما مطیعانه بردگی می‌کرد، آن روزهایی که نه مفری برای گریز از وضعیت اسارت بارش می‌دید و نه

کورسوی امیدی در زندگی تلخ خود داشت، سپری شده است. سوسیالیزم راه بُرون رفت را به او نشان داده، و هزاران هزار مبارز به زیر پرچم سرخ، این ستاره ی راهنمای مسیر، گرد آمده اند. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آن ها آموخته اند که حمله را با حمله پاسخ دهند؛ به آن ها نشان داده اند که کارگر سازمانیافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. کارگران دریافته اند که از قیل کار آن هاست که سرمایه داران و حکومت، زنده اند و فربه می شوند. کارگران با روح مبارزه ی متحدانه، با آرزوی آزادی و سوسیالیزم پرانگیخته شده اند. کارگران دریافته اند که حکومت مطلقه ی تزار چه نیروی اهریمنی و سیاهی است. کارگران برای مبارزه ی خود نیازمند آزادی هستند، ولی حکومت تزار دست و پای آنان را می بندد. کارگران به آزادی اجتماع، آزادی تشکل، آزادی مطبوعات و کتاب نیاز دارند، اما حکومت تزاری هرگونه کوشش برای آزادی را با تازیانه، زندان و سرنیزه، درهم می شکند. فریاد «مرگ بر حکومت مطلقه!» طول و عرض روسیه را درنوردیده، بیش از پیش در عموماً خیابان ها، گردهمایی های وسیع توده ای کارگران، به گوش رسیده است. تابستان سال پیش، ده ها هزار نفر از کارگران در سرتاسر جنوب روسیه برای یک زندگی بهتر، برای آزادی از سلطه ی پلیسی، به مبارزه برخاستند. بورژوازی و حکومت با مشاهده ی ارتش مهیب کارگران که با یک ضربه، کل حیات اقتصادی شهرهای بزرگ را به وقفه درآورده بود، به خود لرزید. بسیاری از مبارزین راه آرمان طبقه ی کارگر، در مقابل گلوله ی سربازانی که تزاریزم علیه دشمن داخلی گسیل داشته بود، به خاک افتادند.

اما نیرویی نیست که قادر به درهم شکستن این دشمن داخلی باشد، چرا که طبقات حاکم و حکومت، تنها با نیروی کار آن زنده هستند. نیرویی بر روی زمین نیست که بتواند میلیون ها کارگری را که بیش از پیش به آگاهی طبقاتی دست می یابند، متحد می شوند و سازمان می یابند، درهم بشکند. هر شکستی که کارگران متحمل می شوند، مبارزین جدیدی را برای صفوف مبارزه به ارمغان می آورد، چشم توده های وسیع تری را به یک زندگی جدید بازمی کند و آن ها را برای مبارزات تازه آماده می سازد.

سیر رویدادهایی که روسیه دارد طی می کند، به گونه ای است که این بیداری توده های کارگر، به طور قطع سریع تر و گسترده تر خواهد بود، و ما باید برای متحد ساختن صفوف پرولتاریا و آماده کردن آن برای مبارزه ی به مراتب قاطعانه تری، نهایت تلاش خود را به کار بندیم. جنگ حتی عقب مانده ترین بخش های پرولتاریا را هم وادار کرده است تا به مسائل و امور سیاسی علاقه نشان دهند. جنگ با وضوح و روشنی بیش تری در حال به نمایش گذاشتن گنبدیگی تمام و کمال نظم حکومت مطلقه، جنایتکاری تام و تمام پلیس و باند دستگاه قضایی حاکم بر روسیه است. مردم ما از احتیاج و گرسنگی در داخل رو به مرگ هستند در حالی که خود به جنگی ویرانگر و بی معنا برای قلمروهایی بیگانه کشانده شده اند که فرسنگ ها از این جا دورند و اقوام خارجی در آن سکنا گزیده اند. مردم ما در بردگی سیاسی، مغلوب هستند در حالی که خود به جنگ برای به بردگی کشاندن سایر مردم کشیده شده اند. مردم ما خواهان تغییر نظم سیاسی در داخل هستند. اما تلاش می شود که با غرش تفنگ ها در آن سوی دنیا، توجه آن ها منحرف گردد. ولی حکومت تزار در این قمار خود، در بر باد دادن جنایتکارانه ی ثروت ملت و مردان جوانی که به

سواحل اقیانوس آرام فرستاد تا بمیرند، بیش از حد پیش رفته است. هر جنگی به مردم فشار می آورد، و جنگ دشوار علیه ژاپن با فرهنگ و آزاد، فشاری دهشتناک بر کرده ی روسیه است. این فشار در زمانی وارد می آید که ساختار استبداد پلیسی، تاکنون زیر ضربات پرولتاریای بیدار و هوشیار، تلوتلو خوردن های خود را آغاز کرده است. جنگ در حال عریان کردن تمامی نقاط ضعف حکومت است، جنگ در حال دریدن تمامی لباس های مبدل دروغین است، جنگ در حال افشای کل گنبدیگی داخلی است؛ جنگ در حال افشای مضحکه ی حکومت مطلقه ی تزار در پیش روی همگان است؛ جنگ آخرین جان کندن های روسیه ی کهن را به همه نشان می دهد، روسیه ای که مردم آن نادان، سر به زیر و فاقد حق رأی هستند؛ روسیه ای که هنوز هم در آن سرف در اسارت حکومت پلیسی قرار دارد.

روسیه ی کهن در حال احتضار است. روسیه ای آزاد در راه است که جای آن را بگیرد. نیروهای سیاهی که از حکومت مطلقه ی تزار پاسبانی می کردند، در حال غرق شدن هستند. اما تنها پرولتاریای سازمانیافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است که ضربه ی مرگبار را به آنان وارد سازد. تنها پرولتاریای سازمانیافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند آزادی حقیقی و نه ساختگی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها پرولتاریای سازمانیافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی است که می تواند هرگونه تلاش را برای فریفتن مردم، محدود کردن حقوق آن ها و تبدیل آن ها به ابزاری صرف در دستان بورژوازی، در نطفه خفه کند.

رفقای کارگر! پس بگذارید که ما با انرژی مضاعف برای نبرد تعیین کننده ای که در شرف وقوع است، آماده شویم! بگذارید که صفوف پرولترهای سوسیال

دموکرات هر چه منسجم تر به هم نزدیک شوند! بگذارید پیامشان هر چه وسیع تر گسترش یابد! بگذارید فعالیت برای مطالبات کارگران هر چه متهورانه تر انجام شود! بگذارید که جشن اول ماه مه هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان ما جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای آزادی تمام مردم، برای رهایی تمام زحمتکشان از یوغ سرمایه، افزون نماید!

زنده باد هشت ساعت کار در روز!

زنده باد سوسیال دموکراسی انقلابی بین المللی!

سرنگون باد حکومت مطلقه ی جنایتکار و غارتگر تزار!

لنن

آوریل ۱۹۰۴

ترجمه: کیوان نوفرستی*

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴

* توضیح مترجم: مقصود جنگ روسیه- ژاپن است که در تاریخ ۸ فوریه ی ۱۹۰۴ آغاز و نهایتاً با امضای پیمان صلح به دعوت تنودور روزولت در اوهایو به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۰۵، به پایان رسید. جاه طلبی های روسیه ی تزاری در آسیا با لشکرکشی امپریالیزم جوان و نیرومند ژاپن به سمت غرب، که نهایتاً به اشغال منچوری و فشار به مرزهای روسیه در شرق دور و سیبری انجامید، روبرو شد. این جنگ با تحمیل شکست های مفتضحانه به روسیه که نقطه ی اوج آن در سقوط بندر «پورت آرتور» بود، گنبدگی درونی رژیم تزاری را به خوبی به نمایش گذاشت. موج نارضایتی عمومی در جامعه به دنبال سلطنت مطلقه ی تزار و همین طور ویرانی های حاصل از جنگ، این بار حتی عقب مانده ترین اقشار طبقه ی کارگر را هم تحت تأثیر قرار داده بود. به همین دلیل وقوع این جنگ در واقع یکی از عوامل مهم تسریع کننده ی انقلابی بود که در سال ۱۹۰۵ به وقوع پیوست.